

رویکرد کوتاه مدت راه حل محور برای کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق

زهرا داودی*، عذرا اعتمادی**، فاطمه بهرامی**

مقدمه: پژوهش حاضر به منظور بررسی اثر رویکرد راه حل محور بر کاهش گرایش به طلاق زنان و مردان مستعد طلاق شهر اصفهان صورت گرفته است. رویکرد راه حل محور یکی از انواع درمان‌های کوتاه مدت است که بر یافتن راه حل‌ها توسط مراجع با کمک مشاور تأکید دارد.

روش: این پژوهش نیمه تجربی است و در آن از پیش آزمون و پس آزمون دو گروه شامل گروه آزمایش و گروه گواه استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل آن دسته از زوجین مراجعه کننده به مرکز مداخله در بحران شهر اصفهان می‌باشد که به صورت خود معرف مراجعه کرده بودند. نمونه پژوهش شامل ۳۲ زوج است که از زوجینی که داوطلب به شرکت در مطالعه بودند، به صورت نمونه در دسترس انتخاب شدند و به صورت تصادفی در گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ابزار پژوهش پرسش نامه استعداد طلاق روزلت و همکاران (۱۳۸۶).

یافته‌ها: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر استفاده از روش‌های آمار توصیفی از روش تحلیل هم پراکنش استفاده شد.

بحث: رویکرد راه حل محور بر کاهش گرایش به طلاق مؤثر است ($p < 0/001$)

کلید واژه‌ها: رویکرد کوتاه مدت راه حل محور، گرایش به طلاق، مستعد طلاق

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۱۸

* کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان <davoodi.z33@gmail.com>

** دکتر مشاوره، دانشگاه اصفهان

مقدمه

امروزه بسیاری از ازدواج‌ها مدت کوتاهی بعد از تشکیل آن متلاشی می‌شوند. درک این که چرا این ازدواج‌ها شکست می‌خورند می‌تواند راه‌حلی باشد برای کمک به زوجینی که تعارض زناشویی دارند. گاتمن می‌گوید «ازدواج هنگامی که دچار تعارض می‌شود، شکست نمی‌خورد، بلکه ازدواج زمانی شکست می‌خورد که فقدان راه حل تعارض وجود دارد» (گاتمن^۱، ۱۹۹۹).

به عقیده گاتمن کیفیت تعامل بین زن و شوهرها پیش‌گویی مهمی برای آشفته‌گی زناشویی یا طلاق^۲ است مطالعات وی نشان داد زوجینی که ارتباط منفی‌تری با همدیگر دارند دارای ازدواج نابسامان بوده یا آشفته‌گی زناشویی در آینده را می‌توان به آن‌ها نسبت داد. وی دریافت زوج‌هایی که درصدد طلاق هستند در تعاملات زناشویی خود از هیجان‌های منفی بیش از هیجان‌های مثبت استفاده می‌کنند (گاتمن، ۱۹۹۴). اگر زوجین فاقد مهارت‌های ارتباطی ضروری برای حل مشکلاتشان باشند، حتی کوچک‌ترین مشکل نیز حل‌ناشدنی خواهد شد (جودجیادس^۳، ۲۰۰۸).

طلاق یکی از عوامل ایجادکننده اختلال و آشفته‌گی در زندگی انسان‌هاست. طلاق در افرادی که بخشی از این پدیده هستند (هم‌بچه‌ها و هم‌بزرگسالان) یک تجربه فردی شدید است. پیشینه تحقیقات در درجه اول به کسانی اشاره دارد که در اثر طلاق آسیب دیده‌اند و استرس نشان می‌دهند (سان و لی^۴، ۲۰۰۹).

تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد می‌شود که ممکن است از طریق برآورده نشدن نیازها یا اهداف، شیوه‌های مقابله‌ای ضعیف، مدیریت حوادث زندگی یا ناتوانی در انتقال احساسات به همسر باشد (یانگ و لانگ^۵، ۱۹۹۸).

1- Gotman 2- divorce 3- Georgiades 4- Sun & Li 5- Yong & Long

مسلماً، طلاق یکی از جنبه‌های زوج درمانی است چرا که در درمان برای زوجین نارضایتی به وجود می‌آورد. تا اندازه‌ای مشکلاتی که سبب می‌شود زوجین تصمیم به جدایی بگیرند مزمین است، مثل انگیزه جدایی، تعارض شدید و رویدادهای خشونت آمیز دائمی. گاهی هم عوامل غیره منتظره باعث فرو پاشی زندگی زناشویی می‌شود مثل افشاء خیانت‌های زناشویی، و یا موقعی که یکی از همسران قصد جدایی داشته باشد و نسبت به زندگی با همسر خود تردید داشته باشد (امری و اسپارو^۱، ۲۰۰۰). طلاق به عنوان یکی از استرس آورترین منابع می‌تواند ساخت‌های شناختی افراد را دچار اختلال کرده و آنان را در استفاده از شیوه‌های مقابله با استرس دچار ناتوانی گرداند (پیرلند و اسکولر^۲، ۱۹۷۸؛ به نقل از حفاریان، ۱۳۸۶).

نرخ طلاق یک سیر صعودی جهانی دارد که یکی از پیامدهای افزایش جمعیت است، که شکل تغییراتی در مذهب، قانون، اقتصاد، فاکتورهای جامعه و دوره‌های بد عملکردی روانشناختی است. مسلماً، این فاکتورها در پیشینه‌های طلاق مشخص شده است، از جمله آزادی قانونی در اجازه برای انحلال ازدواج و طلاق (گلن^۳، ۱۹۹۹). روند یا سیر طلاق معمولاً با شروع اصطکاک و تنش میان زن و شوهر آغاز می‌شود و این روند در تکامل خود بی‌تفاوتی عاطفی و سپس دشمنی علنی و واقعی را به دنبال دارد. مرحله بعدی پیدا شدن فکر طلاق در یک یا هر دو جانب رابطه است و روی آوردن یکی از طرفین به فرد یا افراد دیگر به عنوان محرم و همدل است (دماریس^۴، ۲۰۰۰).

ریموند^۵ گاج^۶ و کراسبی^۷ (۱۹۸۳) بیان می‌کنند که، افرادی که طلاق را تجربه کرده‌اند مجموعه‌ای از احساسات و رفتار را که در توالی عمومی از انکار تا خشم و افسردگی و پذیرش را نشان می‌دهند. آن‌ها همچنین اظهار می‌دارند که فرآیند حل رنجش مرتبط با طلاق نمی‌تواند به تنهایی جدا از موارد زیر باشد:

1- Emery & Sparaw
5- Raymond

2- Pearland & Schooler
6- Gage

3- Glenn
7- Crasby

4- Demares

ثبات اقتصادی، سلامتی جسمی، سلامت احساسی، برخورد با سایر بحران‌های طلاق که قبل از این فرد رخ داده است، فشار خانوادگی، توقعات و انتظارات، تعاریف فرد در مورد مفهوم ازدواج و طلاق، فاکتورهای روانی شخصی، مکانیسم‌های دفاعی، ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی می‌باشد.

پژوهشگران بر این فرضند که کاهش رضایت زناشویی و وقوع جدایی یا طلاق، ناکامی در بهبودی از بحران‌ها را منعکس می‌کند. به طور کلی، زوجینی که رویدادهای استرس‌زای بیش‌تری را تجربه می‌کنند باید بیش‌تر در معرض پیامدهای زناشویی منفی باشند و این تأثیر باید به سطوح منابع زوجین و تعریف زوجین از رویدادها تعدیل شود (لی، آکن و اسبولد^۱؛ ۲۰۰۶).

برک^۲ (۱۹۹۸) معتقد است که افرادی که طلاق را تجربه کرده‌اند، با کشمکش‌های متعدد فردی و بین فردی مواجه هستند. در این فرایند هویت آشفته، فقدان امید، تغییر در سبک زندگی، مشکلات جدی در شبکه اجتماعی و شغلی از پیامدهای طلاق هستند که از آن میان ابعاد روان شناختی طلاق از اهمیت بیش‌تری برخوردارند. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد برآشفتگی، تعارض و از هم فروپاشیدگی زناشویی با دامنه‌ای از اثرات ناخوشایند و مخرب بر کودکان از جمله، افسردگی، گوشه‌گیری، توانمندی اجتماعی ضعیف، مشکلات مربوط به سلامتی، عملکرد تحصیلی ضعیف و مشکلات مربوط با سلوک برخوردار است (کووان و کووان^۳، ۱۹۸۷، ۱۹۹۰؛ همینگ و میلر^۴، ۱۹۹۱؛ ایستربروکز^۵، ۱۹۸۷، امری^۶، ۱۹۸۲، ۱۹۸۸؛ هوتلیست و میلر^۷، ۲۰۰۵).

شواهد به دست آمده از نمونه‌های آمریکایی نشان می‌دهد که بزرگسالانی که در زمان کودکی طلاق را تجربه کرده‌اند در قیاس با افراد عادی استرس بیش‌تری را تجربه می‌کنند

1- Lee , Uken& Seboled
5- Easter brooks

2- Berk 3- Cowan& Cowan
6- Emery 7- Hotlist, Miller

4- Heming& Miller

(گلن و کرامر^۱؛ کولکا و وین گارتن^۲، ۱۹۸۵؛ در مورد پدیده قابل اتکا انتقال بین نسلی طلاق نیز شواهدی در دست است اما اثرات آن چندان چشمگیری نیست (پوپ و مویلر^۳، ۱۹۷۹).

اینسو کیم برگ و استیو دی شازر (به نقل از گونگ^۴، ۲۰۰۷) در مرکز خانواده درمانی کوتاه مدت در میلوکی و ویسکانسین ابداع کننده درمان کوتاه مدت راه حل محور بودند. برگ و دی شازر توجه شان را بر انواع سئوالاتی متمرکز کردند که می‌تواند به عنوان ابزاری برای کمک به مراجعان باشد و انگیزه آن‌ها را در جهت رسیدن به هدف‌های درمانی ارتقاء دهد (پرکینز^۵، ۱۹۹۹).

مشاوره راه حل محور، شکلی از درمان مختصر است که بر منابع مراجعان تکیه می‌زند. هدف این مدل درمانی آن است که از طریق فراخواندن و خلق راه‌حلی برای مشکلات مراجعان به آن‌ها کمک کند که نتایج مورد نظرشان برسند. این رویکرد با درمان‌های سنتی متمرکز بر مشکل در اکثر رویکردهای دیگر در می‌افتد، همین‌طور با برخی از سنت‌های دیگر درمانی مغایر است (پرسی^۶، ۱۹۷۰).

درمانگران راه حل محور این ایده را از سازه‌گراها وام گرفته‌اند که هیچ چیز مطلقاً وجود ندارد بنابراین درمانگر نباید نظرش را درباره طبیعی بودن تحمیل کند. جستجو برای نواقص ساختی که مشخصه اکثر اشکال دیگر روان‌درمانی است، نفی می‌شود.

هدف درمان راه حل محور این است که به افراد کمک کند تا در موقعیت خود تغییراتی را به وجود آورند. این تغییرات می‌باید پایدار باشند نه سطحی و موقتی، هر چند که تغییر موقتی در مشکلات شخصی نیز می‌تواند درمانی باشد. دقیقاً می‌توان گفت که هدف درمان آن است که به افراد کمک کند که از فرآیندهای تغییری که قبلاً شروع شده‌اند، آگاه شوند و راه حل‌های تداوم یا تشدید (تقویت) این تغییرات را پیدا کنند (اکانل، ۲۰۰۱).

1- Glenn & Kramer
4-Gong

2- Kulka & Weingarten
5- Perkins

3- Pope & Mueller

در سطح دیگر، هدف درمان صرفاً کمک به مراجع است که با تغییر از حرف زدن درباره مشکل به حرف زدن درباره راه حل‌ها تغییر در کلام خویش را شروع کنند. وقتی افراد شروع می‌کنند به این که درباره آن چه می‌توانند به طرز مؤثری انجام دهند، چه منابعی دارند، در گذشته چه کار کرده‌اند که مؤثر واقع می‌شدند، حرف بزنند، آن گاه درمانگر راه حل مدار به هدف اولیه خویش دست می‌یابد.

مداخله‌های درمانی در یک فرآیند سه مرحله‌ای انجام می‌پذیرند: درمانگر (۱) فعالانه می‌کوشد مشکل را در قالب مثبت‌تر و کارآمدتری مطرح کند و پشتکار و کاردانی مراجع را تحسین کند؛ (۲) آن دام اسارت‌آور را که مراجع برای خود تنیده است، تبیین سازد؛ و (۳) یک رهنمود شبه تلقینی را با یک نشانه بدیهی از پیشرفت در رفتار مراجع، پیوند بزند (دی‌شازر، ۱۹۸۵).

مود^۱ (۲۰۰۰) نشان داد که درمان راه حل محور مهارت‌های ارتباطی را افزایش می‌دهد، اما اثر آن بر روی زن و مرد متفاوت است. کونولی^۲ و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقی به عنوان اثر خانواده درمانی راه حل محور را بر مشکلات رفتاری کودکان بررسی کردند. طبق تحقیق مارکمن، هالوی و فتمور (۱۹۹۹) نشان داده شد که بینش رفتاری در درمان کوتاه مدت، درپیشگیری از مشکلات تأثیر مثبتی داشته است. لیند فورس و مگنسون^۳ (۱۹۹۷) کارایی مشاوره راه حل محور را در کاهش جرم زندانیانی که در استکهلم زندانی بودند، مورد بررسی قرار دادند. آنینموس^۴ (۱۹۹۶) از درمان کوتاه مدت راه حل محور برای درمان سوء استفاده شدگان جنسی استفاده کرد.

در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر رویکرد زوج درمانی کوتاه مدت راه حل محور بر کاهش گرایش به طلاق بر زوجین مستعد طلاق شهر اصفهان پرداخته شد. که فرضیه پژوهش به قرار زیر می‌باشد:

رویکرد راه حل محور بر کاهش گرایش به طلاق در زوجین مستعد طلاق مؤثر است.

1- Mudd 2- Conoley 3- Lindforss& Magnsson 4- Anonymus

دوش

روش نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع نمونه‌گیری در دسترس است. به این صورت که محقق از تاریخ ۸۸/۲/۱ تا ۸۸/۳/۳۱ در مرکز مداخله در بحران به مدت دو ماه حاضر گردیده و از زوجین خود معرف مصاحبه اولیه گرفته شد، که از بین ۴۵ زوجی که مراجعه کرده بودند ۳۲ زوج شرایط اولیه ورود (زوجینی که ۲ سال از ازدواجشان می‌گذرد و به خاطر قتل، اعتیاد و خیانت زناشویی برای درمان اقدام نکرده باشند) به طرح پژوهشی را دارا بودند و این ۳۲ زوج به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش قرار گرفتند. بر روی شرکت‌کننده‌های هر دو گروه پرسش‌نامه مستعد طلاق اجرا شد و سپس جلسات زوج درمانی کوتاه مدت راه حل محور برای گروه آزمایش به مدت ۶ جلسه (هفته‌ای یک جلسه ۹۰ دقیقه) برگزار گردید. در پایان جلسه ششم شرکت‌کننده‌ها پرسش‌نامه مذکور را در دو گروه آزمایش و کنترل تکمیل نمودند. در پایان پس از نمره‌گذاری پرسش‌نامه‌ها، تحلیل آماری متناسب با اهداف پژوهش صورت گرفت.

ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه استعداد طلاق: این پرسش‌نامه اولین بار به وسیله روزلت^۱ و همکاران (۱۹۸۶)، طراحی شد. این مقیاس یک ابزار ۲۸ سئوالی برای ارزیابی زوجین مستعد طلاق است، که دارای ۴ بعد است هر بعد ۷ سئوال را در بر می‌گیرد. ۷ سئوال برای بعد خارج شدن؛ ۷ سئوال برای بعد ابراز؛ ۷ سئوال برای بعد وفاداری؛ و ۷ سئوال برای بعد مسامحه می‌باشد. روزلت و همکاران (۱۹۸۶) در تحلیل آماری این مقیاس ضریب آلفا برای بعد خارج شدن (۰/۹۱)، بعد ابراز (۰/۷۶)، وفاداری (۰/۶۳) و بعد مسامحه (۰/۸۶) به دست آمد.

این پرسش‌نامه در ایران توسط محقق ترجمه شد و روایی محتوا؛ توسط ۵ متخصص روانشناس و مشاور بررسی شد و روایی محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت؛ در بهار ۸۸

1- Rusbult

روی ۴۰ زوج اجرا شد و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برای نمونه ۰/۸۸ (۰/۸۹) برای زنان و ۰/۸۷ (برای مردان) به دست آمد. نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ از همسانی درونی قابل توجهی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها؛ برای بعد خارج شدن = ۰/۸۹، برای بعد ابراز = ۰/۹۰، برای بعد وفاداری = ۰/۸۶، برای بعد مسامحه = ۰/۷۲ به دست آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی به خلاصه‌سازی داده‌ها پرداخته می‌شود. بدین منظور از شاخص‌های میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد، و ماتریس هم پراکنش استفاده شد. در بخش آمار استنباطی از آزمون تحلیل هم پراکنش استفاده می‌شود. برای انجام عملیات آماری مذکور نرم افزار spss-15 به کار گرفته شده است.

جدول ۱- جدول جلسات درمانی راه حل محور

تعداد جلسات	شرح جلسات
جلسه اول	۱. تعریف مشکل ۲. دعوت از مراجع که مشکل را در یک کلمه بگوید و آن کلمه را به یک جمله تبدیل کند. ۳. تبدیل مشکل به اهداف قابل دسترس ۴. بحث و مناظره درباره مشکل
جلسه دوم	۱. بررسی تکالیف هفته قبل ۲. تعیین هدف ۳. بررسی راه حل‌های بر طرف کننده شکایات فرمول‌بندی حلقه‌های راه حل مشکلات
جلسه سوم	۱. خلاصه‌ای از جلسه قبل و بررسی مشکل ۲. حرف زدن درباره آینده ۳. استفاده از فن استثناءها و سئوالات معجزه ای ۴. پیدا کردن یک داستان مثبت

تعداد جلسات	شرح جلسات
جلسه چهارم	۱. بررسی تکالیف و خلاصه‌ای از جلسه قبل ۲. توضیح فن شاه کلید و استفاده از آن استفاده از فن سئوالات مقیاسی
جلسه پنجم	۱. بررسی تکالیف هفته قبل ۲. ادامه فن شاه کلید هفته قبل ۳. استفاده از فن تکالیف وانمودی ۴. استفاده از سئوالات راه حل مدار استفاده از برهان خلف و شرط بندی متناقض
جلسه ششم	۱. خلاصه‌ای از جلسات قبل و بررسی تکالیف انجام شده ۲. استفاده از سئوالات درجه دار تعیین این که آیا مراجعان به اهداف درمان دست یافته‌اند؟

یافته‌های پژوهش

رویکرد راه حل محور بر کاهش گرایش به طلاق در زوجین مستعد طلاق مؤثر است. میانگین‌های تعدیل شده و انحراف معیار نمرات زوجین مستعد طلاق دو گروه پس از کنترل متغیر پیش آزمون در مرحله پس آزمون در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمرات شرکت کننده‌ها در پرسش نامه مستعد طلاق

مراحل	گروه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
پیش آزمون	آزمایش	۱۳۷/۹۳۷۵	۱۵/۲۷۲۹۳
	گواه	۱۳۵/۷۵۰۰	۱۴/۳۶۸۹۵
پس آزمون	آزمایش	۹۸/۳۱۲۵	۸/۳۴۸۴۰
	گواه	۱۴۰/۸۷۵۰	۱۴/۹۴۸۲۴

جدول (۲) میانگین و انحراف معیار نمرات شرکت کننده‌ها در ابعاد پرسش‌نامه مستعد طلاق در مرحله پیش آزمون و پس آزمون نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج تحلیل هم پراکنش برای مقایسه نمره کل گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا	توان آماری
پس آزمون	۲۴۴۱/۹۰۲	۱	۲۴۴۱/۹۰۲	۱۷/۰۴۷	۰/۰۰۱	۰/۲۹۶	۰/۹۷۹
گروه ها	۲۱۴۰/۷۹۹	۱	۲۱۴۰/۷۹۹	۱۴/۹۴۵	۰/۰۰۱	۰/۴۵۴	۰/۹۶۲
خطا	۴۱۵۴/۰۳۶	۲۹	۱۴۳/۲۴۳				

همان‌طور که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، تفاوت میانگین نمرات زوجین مستعد طلاق در مرحله پس آزمون پس از اجرای متغیر مستقل در گروه آزمایش معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$). لذا فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر زوج درمانی کوتاه مدت راه حل محور در کاهش گرایش به طلاق در زوجین مستعد طلاق مؤثر بوده است میزان تأثیر درمان در مرحله پس آزمون ۰/۴۵ بوده است، یعنی ۴۵ درصد واریانس نمرات پس آزمون کل باقیمانده مربوط به عضویت گروهی یا تأثیر مداخله درمانی است. توان آماری در مرحله پس آزمون ۰/۹۶ بوده است، که نشان دهنده این است که حجم نمونه برای آزمایش این فرضیه کافی است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که رویکرد زوج درمانی کوتاه مدت راه حل محور بر کاهش گرایش زنان و مردان مستعد طلاق مؤثر است. با توجه به نتایج تحلیل هم پراکنش، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار گرفت ($P < ۰/۰۰۱$). زیمرمن، پرستو و تنزل (۱۹۹۷) کارایی این رویکرد را در بهبود و افزایش رضایت زناشویی گزارش دادند؛ کاپلان و کاپلان (۱۹۹۹) یک مدل پیشگیری از اختلالات در بچه‌های طلاق را ارائه دادند؛ کورری و پیچایان (۲۰۰۹) این رویکرد را بررسی کردند برای زوجینی که از راه کارهای این

رویکرد برای تغییر روش‌های اتخاذ شده در زندگی زناشویی شان می‌تواند استفاده کنند؛ کروو (۱۹۸۷) تأثیر ۳ زوج درمانی (رویکرد رهنمودی، رویکرد تفسیری و رویکرد حمایت- کنترل) را هم زمان بر درمان طلاق افراد طلاق آزمایش کردند، نتایج نشان داد که رویکرد راه حل محور در گروه آزمایش باعث کاهش معنادار گرایش به طلاق زوجین مستعد طلاق در مرحله پس از آزمون در مقایسه با گروه کنترل شده است. میزان تأثیر در مرحله پس از آزمون برابر با ۰/۴۵ است؛ نظری (۱۳۸۶) اثر بخشی این رویکرد را بر رضایت زناشویی زوجین شاغل گزارش داد؛ نظری و بیرامی (۱۳۸۷) تأثیر این رویکرد را بر رضایت زناشویی در ابعاد پرخاشگری، زمان با هم بودن، توافق درباره مسائل مالی و رضایت جنسی در زوجین هر دو شاغل گزارش داد، که همه این یافته‌ها تأثیر گذاری این رویکرد را گزارش می‌دهند و با این فرضیه همخوانی دارد. در تبیین رویکرد راه حل محور بر کاهش گرایش به طلاق در زوجین مستعد طلاق می‌توان بیان کرد که زوجینی که تا دیروز فکر می‌کردند، مشکل آن‌ها پیچیده و وحشتناک است و راهی به جز طلاق ندارند، اکنون با شرکت در جلسات زوج درمانی امیدوار شده و متوجه خواهند شد که توانایی‌های لازم برای حل مشکل خویش را دارند. با اجرای فنونی چون تجویز نشانه زوجین متوجه خواهند شد که اگر قادرند تعارض را ایجاد کنند به همان صورت قادرند آن را متوقف کنند. زوجین از راه حل‌های مختلفی برای حل تعارضات خود استفاده می‌کنند. در جلسات درمانی زوجین با استفاده از فنون حل مسئله مانند بارش مغزی و گفتگوی متقابل به بحث و گفتگو درباره مشکل تشویق می‌شوند. همچنین با بهبود ارتباط بین زوجین در بعد ابراز هر کدام از زوجین با ابراز آن چه که در ارتباط برای آنان اهمیت دارد و آن چه آنان را ناراحت می‌کند میزان صمیمیت و رضایت آن‌ها از رابطه افزایش پیدا کرده و از میزان گرایش به طلاق آنان کاسته شد در بعد وفاداری زوجین گزارش دادند که نسبت به همسر خود احساس تعهد بیشتری دارند وقتی در ارتباط زوجی وقتی تعارضات و نارضایتی‌ها کاهش پیدا کند تعهد زوجین نسبت ازدواج خود بیش تر می‌شود، اما با توجه به این که

زوجین بعد از دریافت آموزش‌های مناسب سازگاری بیش‌تری را اعلام کردند که این مربوط به بعد مسامحه می‌باشد نتایج پژوهش نشان می‌دهد زوجین گرایش کم‌تری به جدایی و طلاق دارند بعد خارج شدن در این پژوهش میزان تمایل زوجین برای جدایی را می‌سنجد که این خود نشان دهنده گرایش زوجین برای حل مشکلات بین فردی شان می‌باشد. آمار طلاق سیر صعودی روز افزونی دارد و مسئولان را بر این داشته تا راه حلی برای جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها و در راستای آن وجود بی‌بندوباری، فساد اخلاقی، اعتیاد و... پیدا کنند. این پژوهش نیز بر آن بود تا با ارائه الگوی درمانی جدید برای پیشگیری از طلاق در زوجین مستعد طلاق اقدام نماید، لذا به محققان پیشنهاد می‌شود از این رویکرد در پیشگیری از اختلافات زناشویی استفاده نمایند و نتایج پژوهش خود را با این پژوهش مقایسه نمایند. محدودیت‌های این پژوهش که باید در تعمیم نتایج آن باید احتیاط کرد و در پژوهش‌های بعدی این موارد را مد نظر قرار داد: محدود بودن تعداد نمونه مراجعه کننده به مرکز مداخله در بحران و گردآوری تعداد محدودی از زوجین مستعد طلاق می‌باشد این تعداد در مقابل تعداد زوجینی که مستعد طلاق می‌باشند بسیار کم است در تعمیم دادن نتایج این پژوهش به دیگر زوجین مستعد طلاق باید احتیاط کرد؛ از آن جایی که پژوهش حاضر در شهر اصفهان اجرا شد، لازم است که در تعمیم نتایج به دیگر شهرها احتیاط کرد و لازم است این پژوهش در دیگر شهرهای کشور نیز اجرا شود؛ با توجه به این که در این پژوهش پیگیری صورت نگرفته است، نسبت به تعمیم نتایج در طولانی مدت باید احتیاط نمود.

- حفریان، ل. (۱۳۸۶). مقایسه عزت نفس، شادمانی، کیفیت زندگی و امید به زندگی زنان مطلقه و غیر مطلقه شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
- نظری، ع. م.؛ بیرامی، م. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر مشاوره راه حل محور بر رضایت زناشویی در ابعاد پرخاشگری، زمان با هم بودن، توافق درباره مسایل مالی و رضایت جنسی در زوج‌های هر دو شاغل. فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز. ۳ (۹): ۹۳-۱۱۷.
- نظری، ع. م. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر مشاوره راه حل - محور بر رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل، تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره، جلد ۵، شماره ۲۰.
- Alan C. Acock, K. Jill Kiecolt(1989). Is It Family Structure or Socioeconomic Status? Family Structure During Adolescence and Adult Adjustment. **Journal article by; Social Forces**, Vol. 68.
- Anonymous, D. , (1996). **Reclaiming Herstory: Erickson Solution-Focused Therapy for Sexual Abuse**, Adolescence, Vol31, Iss122, Pg.499.
- Beck, A. T. (2001). Psychology of self. New York: Guilford Press.
- Berg, I. K. (1994). A wolf in disguise is not a grandmother. **Journal of Systemic Therapies**. 13: 13-14.
- Bradbury, T. , Fincham, F. & Beuch, S. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction ; A decade n review. **Journal of Marriage and Family**, 62, 964- 980.
- Caplan. G & Caplan. R. B. , (1999). Methods of Preventive Intervention in a Program of Primary Prevention of Psychosocial Disorders in children of Divorce, **The Journal of Prevention** , Vol. 20, NO,2.
- Conoley, C. W. , graham , J. M. , New, T , craig, M. C. , opry, A. , cardin, S. A. , brossart, D. F. & parker, R. D. (2003). Solution-focused family therapy with three aggressive and oppositional- acting children: An=1 empirical atudy. **Family Process**, 24 (3) , 361-374.
- Correy, s. & Pichian, H. (2009). New N. Y **law protects assetsin divorce. Lawyers USA**. Boston. Pg 198. Iss: 19.
- Cowan, C. P. , & Cowan,P. A. (1987). **A preventive intervention for couple becoming fathers: The impact of a couple's intervention**. In P. Bronstein & C. P. Coean(Eds.), **Fatherhood: Men's changing role the family**. New York: Wiley.
- De Shazer. S. (1988). **Clues: Investigating solutions in brief therapy**. New York: Norton.
- Emery, R. E. (1988). **Marriage, divorce, and children's adjustment**. Beverly Hills: Sage
- Georgiades. S. D. , (2008). **A Solution- Focused Intervention With a Youth in a Domestic Violencesituation: Logitudinal Evidence: Sprigier science Busines Media, LLC**.
- Glenn and Kramer, (1985). N. D. Glenn and K. B. Kramer , The psychological well-being of adult children of divorce. **Journal of Marriage and the Family** 47 (1985), pp. 905-912. **Full Text** via

- CrossRef | View Record in Scopus | Cited By in Scopus (42).
- Glenn, N. D. (1999). Further discussion of the effects of no- fault divorce. **Journal of Marriage and the Family**, 61, 800-802.
 - Gong, M. (2007). Does status in consistency matter for marital quality. **Journal of family Issues**, 28, 152-161.
 - Hotlist. C. S, Miller, B. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. **Family Relations**, 54, 46-58.
 - Kaslow, F. W. (1984). Divorce: An evolutionary process of change in family system. **Journal of Divorce**, 7 (3) , 21- 39.
 - Lee, M. , Uken, A. , Seboled, J. (2006). Account ability for change: Solution- Focused Theratment With Domestic Violence Offenders. **Journal of Families in Society**. Vol.85. Iss4. Pg 463.
 - Lindforss, L. , & Magnsson, D. , (1997). Solution- Focused in Prison, **Contemporary family Therapy**, vol, 19, No. 1.
 - Markman, H. J. & et al (1993). Preventing marital distress through communication and conflict management training. **Journal of Clinical Psychology** , 61 , 70-77.
 - Miller, J. B. , Anderson, S. , & Keala, D. K. (2005). Is Bowen theory valid? Areviews of basic research? **Journal of Marital and Family Therapy**, 330, 28-300.
 - Miller, J. B. (1987). The development of women's sense of self. In J. V. Jordan, A. G. Kaplan, J. B. Miller, I. P. Stiver, & J. L. Surrey (Eds), **Women's growth in connection** (pp. 11-26). New York: Guilford.
 - Mudd, J. (2000). **Solution- Focused therapy and communication skills training; An intergrated approach to couple therapy**. Thesis submitted to the faculty of the Virginia Polytechhnic institute and state university in partial fulfillment of the requirements of the degree of master of science.
 - Perkins, J. , Echterling, L. G. , mckee, J. E. , (1999). Supervision for Inner Vision: Solution – Focused Strategies, **Counselor Edacation and Supervision**, Vol39, Iss2. Pg196.
 - Rahim, A. , Gabriel. F. (1999). An empirical study of the stages of moral development and conflict management styles. **Journal of Conflict Management**, 10, 154-171.
 - Rice, J. K. (2000). Corss- cultural parsectiveson divorce and family life cycle (invited address). Washington, DC: **American Psychological Association**.
 - Rusbult, C. , Johnson, D. & Morrow, G. (1986). Determinants and consequences of exit, voice, loyalty, and neglect: Responses to dissatisfaction in adult romantic involvements, **Human Relations**, 39(1), 45-63.
 - Rusbult, C. , Zembrodt, I. , & Iwaniszek, J. (1986). The impact of gender and sex- role orientation on responses to dissatisfaction in close relationships. **Sex Roles**, 15(1/2), 1-20.
 - Spanier, G. B. , & Margolis, R. L. (1983). Marital separation and extramarital sexual behavior. **Journal of Sex Research**, 19, 23-48.
 - Sun, Y & Li. Y. (2009). Parental divorce, sibshpsize, family resources, and children's academic performance. **Socceial Science Research**. Vol, 38, Iss, 3 ; Pg. 622.
 - Young, M. E & Long, L. L. (1998) **Counseling and Therapy for Couples** Pacific Grove, CA: Brouous/ **Cole publishing Company**.